

کالوکیشن های مربوط به کلمه GOAL



منبع: www.drzaban.com

نویسنده: دکتر زبان (مسعود اکبری)

موضوع: کالوکیشن های مربوط به کلمه GOAL

برای خواندن جدیدترین مطالب آموزشی به سایت دکتر زبان مراجعه کنید!

برای دانلود صدها مقاله مشابه این مطلب عضو سایت دکتر زبان شوید!

کالوکیشن ترکیب رایج کلمات با همدیگر است.

کلمه goal در دو معنای ورزشی و غیر ورزشی بکار می رود.

Goal در مفهوم ورزش

در فوتبال کلمه goal به معنای دروازه و تور و یا قرار دادن توپ در دروازه است. برخی اصطلاحات مربوط به goal در ورزش به شرح زیر هستند:

score a goal = put the ball into the net

گل زدن



goalkeeper = the player who defends the goal; the only player on the field who can use the hands

دروازه بان

goalposts = the two posts on the sides of the net

تیر دروازه

crossbar = the horizontal bar between the two upright posts of a goal in football, rugby, hockey, etc.

تیر عرضی دروازه

let in a goal = when the goalkeeper fails to prevent the ball from entering the goal

گل زدن



making a save = When the goalkeeper stops the ball from entering.

گرفتن توپ (توسط دروازه بان)



a **spectacular** goal = a goal that was especially impressive

گل محشر، معرکه

the **winning** goal / the **decisive** goal = the goal that won the game

گل سرنوشت ساز

a **tying** goal = a goal that made the score equal

گل مساوی

an **own** goal = when a player accidentally puts the ball into their own team's goal

گل به خودی

disallow a goal = when the referee cancels a goal because of some illegal play before the goal

گل رد شده (توسط داور)

کلمه goal در ورزشهایی مثل فوتبال، هاکی، لکراس، چوگان و واترپلو استفاده می شود.

کلمه goal در مفاهیم غیر ورزشی

کلمه goal به غیر از مفهوم ورزش به معنای هدف نیز هست. در اینجا به معرفی چند کالوکیشن پرکاربرد با goal می پردازیم:

establish / set a goal

هدفگذاری کردن



به دو روش می توانیم اهداف را بیان کنیم:

goal of + gerund (اسم مصدر)

goal + ("to be") + infinitive (مصدر)

My **goal is to visit** every country in the world.

هدفم این است که همه کشورهای دنیا را ببینم.

I have a **goal of visiting** every country in the world.

هدفم این است که همه کشورهای دنیا را ببینم.

Our **goals are to reduce** pollution and **preserve** the environment.

هدف ما کاهش آلودگی و حفظ محیط زیست است.

Our work is focused on the **goals of reducing** pollution and **preserving** the environment.

کار ما تمرکز بر اهداف مربوط به کاهش آلودگی و حفظ محیط زیست است.

pursue a goal / work towards a goal

دنبال کردن یک هدف

achieve / attain / reach a goal

رسیدن به یک هدف

short-term goal / long-term goal

اهداف کوتاه مدت / بلند مدت

common goal

هدف مشترک

ambitious goal / modest goal

هدف خیلی سخت / هدف آسان

attainable / achievable / realistic goals

اهداف قابل دسترسی

unattainable / unachievable / unrealistic goals

اهداف غیر قابل دستیابی

